

اتحاد و همبستگی مؤمنان در برابر دشمن

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی محسنی*

«وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَنَافِسُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^۱

اشاره

لازمه تشکیل جامعه‌ای نیکو، اتحاد و همبستگی بین اقشار مختلف آن است و بدون آن نمی‌توان جامعه را به سوی سعادت سوق داد. اتحاد و همبستگی از مؤلفه‌هایی است که دستور به آن بارها در قرآن، روایات، سنت نبوی و سیره معصومان علیهم‌السلام به‌وفور بیان شده است؛ همچنین یکی از مهم‌ترین آموزه‌هایی است که در سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و معصومان علیهم‌السلام به آن توصیه شده است. گاهی نیز اشارات دینی، مؤمنان را از افتراق و اختلاف‌افکنی برحذر می‌دارد که خود نوعی دعوت به همبستگی است. در این نوشتار، به برخی از توصیه‌های مربوط به اتحاد و همبستگی اشاره می‌شود.

۱. اهمیت اتحاد و همبستگی

اتحاد و همبستگی میان مسلمانان، اهمیت بسیار بالایی دارد؛ تا جایی که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ»^۲ این دین شما و این امت شماست و من پروردگار شمایم، پس مرا پرستید». بنابراین مردم، جناح‌ها و گروه‌های مختلف جامعه باید با توجه به این شعار قرآنی از تفرقه پرهیزند و با درک عظمت این آموزه‌گرانبها از هرگونه فعالیتی که به ایجاد دودستگی تفرقه‌انگیز کمک می‌کند، دوری کنند. همه باید بدانند شیطان عامل تفرقه

* دکترای تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و مدرس حوزه و دانشگاه.

۱. انفال: ۴۶: «با یکدیگر نزاع نکنید، که سست می‌شوید و قدرت و شوکت شما از میان می‌رود.»

۲. انبیاء: ۹۱

است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ؛^۱ شیطان می خواهد در میان شما عداوت و دشمنی ایجاد کند».

ضرب المثل قدیمی «دست خدا به همراه جماعت است»، شعاری دینی است که ریشه در فرمایشات معصومان علیهم السلام دارد؛ برای نمونه حضرت علی علیه السلام می فرماید: «فان يدالله مع الجماعة و اياكم والفرقة؛^۲ دست خدا به همراه جماعت است و برحذر باشید از تفرقه».

اتحاد به شکل پلکانی است؛ یعنی از بین اعضای خانواده شروع و به مؤمنان جامعه می رسد که به دور از هر نژاد و قبیله ای با محور قرار دادن قرآن با هم متحد شوند. گفتنی است که اتحاد بین ادیان آسمانی نیز مورد توجه اسلام است؛ زیرا خداوند می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛^۳ بگو ای اهل کتاب، بیایید از کلمه حقی که میان ما و شما مساوی است، تبعیت کنیم که به جز خدای یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و برخی از ما برخی را به جای خدا تعظیم نکنیم». البته اتحاد با اهل کتاب نیز پایان کار نیست، بلکه اتحاد جهانی آخرین مرحله از دعوت به اتحاد در دین اسلام است که در هنگام ظهور و به دست حضرت مهدی علیه السلام محقق خواهد شد.

ادیب الممالک می سراید:

غرض ز انجمن و اجتماع جمع قواست	چرا که قطره چو شد متصل به هم، دریاست
ز قطره هیچ نیاید، ولی چو دریا گشت	هر آنچه نفع تصور کنی در او، آنجاست
ز گندمی نتوان پخت نان و قوت نمود	چو گشت خرمن و خروار، وقت برگ و نواست
ز فرد فرد محال است کارهای بزرگ	ولی ز جمع توان خواست هر چه خواهی خواست ^۴

۲. دعوت به اتحاد و همبستگی و نهی از افتراق و اختلاف افکنی در قرآن

آیات متعددی از قرآن مسلمانان را به اتحاد، همبستگی و دوری از اختلاف و تفرقه توصیه می کند؛ از جمله:

۱. مانده: ۹۱.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۱۲.

۳. آل عمران: ۶۴.

۴. آیت الله جعفر سبحانی، نظم اخلاقی اسلام، ج ۱، ص ۸۸.

الف) (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا)¹ و همگی به رشته [دین] خدا چنگ زنید و به راه‌های متفرق نروید». بر اساس روایات بسیاری، قرآن و عترت پیامبر، عهد و طاعت خدا از مصادیق حبل‌الله هستند.² خداوند در این آیه پس از دستور «تسمک به حبل‌الله»، مؤمنان را از اختلاف نیز بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «وَلَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَالَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا»³ و پراکنده نشوید و به یاد آورید نعمت خدا را که شما با هم دشمنی داشتید؛ خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید».

برخی گفته‌اند مراد آیه شریفه، جنگ‌هایی بود که ۱۲۰ سال بین اوس و خزرج طول کشیده بود؛ تا اینکه خداوند به وسیله اسلام بین دل‌های ایشان الفت انداخت و کینه‌های گذشته را نابود کرد.⁴ اوس و خزرج ساکنان اصلی مدینه بودند که به شدت با هم دشمنی می‌کردند؛ حاصل این دشمنی، نبردهای خونین و طولانی میان آنها بود که در «ایام العرب» دوره جاهلی، برای هر یک نامی خاص بیان شده است.⁵ اتحاد زیر سایه اسلام، بین چنین دشمنانی رفاقت و الفت ایجاد کرد و کدورت را زدود.

مولوی می‌سراید:

دو قبیله کاوس و خزرج نام داشت	یک ز دیگر جان خون‌آشام داشت
کینه‌های کهنه‌شان از مصطفی	محو شد در نور اسلام و صفا
اولاً اخوان شدند آن دشمنان	همچو اعداد عنب در بوستان
وز دم المؤمنون اخوه به پند	درشکستند و تن واحد شدند
آفرین بر عشق کل اوستاد	صد هزاران ذره را داد اتحاد
همچو خاک مفترق در رهگذر	یک سبوشان کرد دست کوزه‌گر ^۶

۱. آل عمران: ۱۰۳.

۲. جلال‌الدین سیوطی، الدر المنتور، ج ۲، ص ۲۸۴-۲۸۸.

۳. آل عمران: ۱۰۳.

۴. فضل بن حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۹۰.

۵. محمد بیومی مهران، تاریخ العرب القدیم، ص ۴۸۰.

۶. مولوی، مشنوی، دفتر دوم، ص ۳۷۶-۳۷۷.

برخی هم در شأن نزول آیه پیش‌گفته گفته‌اند: مراد جنگ‌های طولانی است که میان مشرکان عرب وجود داشت.^۱ بنابراین مراد و معنای آیه این است که منت و نعمت‌های خدا را به وسیله اسلام و ائتلاف و رفع نزاع‌های موجود بین خودتان حفظ کنید و نفع این کار در همین دنیا به شما برمی‌گردد. افزون بر این، ثواب جزیلی در آخرت نصیب شما خواهد شد؛ چراکه شما دشمن هم بودید و بین دل‌هایتان الفت انداخت و اینکه شما را اطراف پرچم اسلام گرد آورد و بغض و کینه‌ها را از قلوبتان برداشت.^۲ بنابراین نبود تفرقه، سبب ایجاد الفت و دوستی می‌شود.

ب) «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»^۳ و باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری). خداوند در این آیه می‌فرماید هر نوع همکاری و اتحادی پسندیده نیست، بلکه همکاری و اتحاد در تقوا و کارهای نیک پسندیده است. از نظر قرآن کارهای نیک عبارت‌اند از: «نیکوکاری آن است که کسی به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و گدایان بدهد و در آزاد کردن بندگان صرف کند، و نماز به پا دارد و زکات مال [به مستحق] بدهد. و نیز نیکوکار آنان‌اند که با هرکه عهد بسته‌اند، به موقع خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کارزار صبور و شکیبا باشند».^۴

با معیار قراردادن این آیه، در اتحاد باید رضایت خدا و منافع خلق خدا در نظر گرفته شود نه منافع جناحی، قومی و ...

ج) «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَنَزَعُوا فِتْنَةً لِّتَنَازَعُوا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ»^۵ و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نیویید که بر اثر تفرقه ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد). واژه «ریح» کنایه از پیشرفت و نفوذ و رسیدن به هدف است. برخی گویند: یعنی اگر اختلاف پیدا کنید، نسیم پیروزی بر زندگی شما نخواهد وزید.^۶ به تعبیر دیگر «ریح» به معنای باد است و اینکه می‌گوید «اگر به نزاع با یکدیگر برخیزید، سست

۱. فضل بن حسن طبرسی، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۹۰.

۲. همان.

۳. مانده: ۲.

۴. مواردی از «بر» را بیان کرده است: «لَکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْکِتَابِ وَ النَّبِيِّینَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَ الْیَتَامَىٰ وَ ... وَ أُولَئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۷).

۵. انفال: ۴۶.

۶. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۹۶.

می‌شوید و به دنبال آن باد شما را از میان خواهد برد»، اشاره لطیفی به این معناست که قوت و عظمت و جریان امور بر وفق مراد و مقصودتان از میان خواهد رفت؛ زیرا همیشه وزش بادهای موافق، سبب حرکت کشتی‌ها به سوی منزل مقصود بوده است و در آن زمان که تنها نیروی محرک کشتی، وزش باد بود، این مطلب اهمیت بسیاری داشت.^۱ بنابراین نزاع و اختلاف داخلی در مقابل دشمن، سبب ایجاد ضعف و سستی می‌شود و هیبت، وقت و عظمت را در مقابل دشمن از بین خواهد برد.^۲

با توجه به این آیه، وجود اختلاف میان مؤمنان، افزون بر عذاب اخروی، در همین دنیا نیز ضرر را متوجه آنان خواهد کرد.

۳. دعوت به اتحاد و همبستگی و نهی از افتراق و اختلاف افکنی در سیره نبوی

در سیره نبوی نیز شاهدیم که ایشان به اتحاد و همبستگی میان مومنان سفارش بسیاری فرموده‌اند. در ادامه به مواردی از این دعوت اشاره خواهیم کرد.

۳-۱. دعوت به همبستگی

پیامبر ﷺ در جایگاه پرچمدار اتحاد، به محض ورود به مدینه، قوانینی را ابلاغ کردند که پیوندهای اجتماعی، ایجاد اتحاد بین اوس و خزرج، انصار و مهاجران و حتی بین مسلمانان و دیگر ادیان از جمله یهودیان در آن گنجانده شده بود؛ همچنین پیمان‌نامه‌های جداگانه‌ای به تناسب طرفین قرارداد نوشته شد که در متن‌های نوشته‌شده، مناسبات مسلمانان با غیرمسلمانان تنظیم شده بود و نیز قوانینی برای تعامل بین مسلمانان وضع گردیده بود.^۳ علامه سیدجعفر مرتضی عاملی معتقد است «دستور المدینه»، دستورالعملی برای تبیین اصول مناسبات درونی و بیرونی در دولت نوپای اسلامی است.^۴ مجموع این پیمان‌نامه‌ها با عناوین مختلفی از جمله «دستور المدینه» یا «قانون اساسی مدینه» یا «صحیفه النبی» شناخته می‌شود که در همه آنها پیامبر ﷺ محور قرار داده شده است و حضرت مرجع ایجاد اتحاد در ماجراهای مختلف و فصل الخطاب در پایان دادن به اختلاف‌های احتمالی است. این مسئله از مهم‌ترین اقدامات

۱. همان.

۲. ناصر مکارم شیرازی، الأمل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۵، ص ۴۵۱.

۳. بختیاری و نظرزاده، «پیمان‌نامه مدینه: نمونه‌ای تاریخی در زمینه حل اختلاف»، ص ۵۵.

۴. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۵، ص ۱۲۷-۱۳۶.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدینه به شمار می‌آید؛^۱ همچنین از پیشرفته‌ترین روش‌های حل اختلاف با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی بود که منجر به صلحی پایدار و ماندگار در جامعه تازه‌تأسیس مدینه شد^۲ که می‌تواند الگویی برای مسلمانان در طول تاریخ شود.

از دیگر آثار این اقدام بزرگ نبوی، این بود که مانع پیمان‌بستن یهودیان با مشرکان قریش شد.^۳ به نوعی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در پیمان‌بستن بر قریش پیشی گرفت و اگر دیر اقدام می‌کرد، بین یهودیان و مشرکان مکه قرارداد همکاری نوشته می‌شد و در همان ابتدای هجرت کار پیشرفت اسلام ناتمام می‌ماند.

پیمان برادری و اخوت بین انصار و مهاجران را هم می‌توان در این راستا دانست. پس از هجرت مسلمانان از مکه به مدینه، برخی از مهاجران از امکانات اولیه زندگی بی‌بهره بودند؛ چراکه هرچه داشتند، در مکه گذاشته و به مدینه آمده بودند. با ابتکار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پیمانی با عنوان «پیمان اخوت» بین انصار و مهاجران بسته شد. حضرت فرمود: «تَأَخَّوْا فِي اللَّهِ أَخَوَيْنِ أَخَوَيْنِ؛^۴ در راه خدا، دو تا دو تا با یکدیگر برادر شوید». در منابع آمده است وقتی پیامبر بین اصحاب خود عقد اخوت بست، حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نزد پیامبر آمد و گفت: میان اصحابت برادری برقرار کردی و مرا با هیچ‌کس برادر نساختی. پیامبر فرمود: تو برادر من در دنیا و آخرت هستی.^۵

هدف از این امر، تنها زدودن غربت از مهاجران نبود؛ زیرا در برخی موارد هر دو طرف پیمان از مهاجران هستند؛ همان‌گونه که بر اساس منابع تاریخی، پیامبر میان ابوبکر و عمر، حمزه بن عبدالمطلب و زید بن حارثه، عثمان و عبدالرحمان بن عوف، زبیر و ابن مسعود، بلال و عباده بن حارثه، مصعب بن عمیر و سعد بن ابی وقاص و ... عقد اخوت بست.^۶ بنابراین به نظر می‌رسد افزون بر رسیدگی به امور مهاجران فقیر، جایگزینی پیوند الهی و ایمانی به جای تعصبات قومی و نژادی نیز مدنظر بود.

۱. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۵۲.

۲. بختیاری و نظرزاده، «پیمان‌نامه مدینه: نمونه‌ای تاریخی در زمینه حل اختلاف»، ص ۵۵-۵۶.

۳. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۵۳.

۴. ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۵۰۵.

۵. حلبی شافعی، السیره الحلویه، ج ۲، ص ۱۲۵.

۶. جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۳، ص ۳۴۵.

رفاقت و اتحاد اجتماعی، نقش مهمی در روابط میان مسلمانان داشت؛ اما اسلام به آن بسنده نمی‌کند، بلکه در جایگاه دستورالعملی همیشگی در قرآن قرار می‌دهد و خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ».^۱ تا پیش از نزول این آیه، تصور می‌شد دستور عقد اخوت از سوی پیامبر، امری موقتی و برای عبور از بحران به‌وجودآمده پس از هجرت است؛ اما با نزول این آیه، ثابت شد برنامه جامع است برای ایجاد وحدت و همبستگی اجتماعی در اعصار پیش‌روی اسلامی؛ اگرچه در آن زمان از سوی یک رهبر دینی کاری بود هوشمندانه و خردمندانه، اما انحصار به آن زمان نداشت و افق بیشتری را دربر می‌گرفت. بر همین مبنا پیمان اخوت، الگویی بود که در تاریخ ادامه یافت و هنوز نیز بین برخی مؤمنان اجرا می‌شود.

پیامبر ﷺ در ایجاد همبستگی‌های اجتماعی فراتر از جامعه داخلی مسلمانان فکر می‌کرد؛ از این رو بین مسلمانان و یهودیان اطراف مدینه هم «پیمان عدم تخاصم» نوشت.^۲ منظور از این قرارداد، اتحاد در مقابل مشرکان مکه بود؛ اما متأسفانه یهودیان پیمان‌ها را یکی پس از دیگری شکستند.

۲-۳. مبارزه با عوامل اختلاف‌آفرین

برای پیشبرد همبستگی، تنها اقدامات ایجابی کافی نیست، بلکه گاه نیاز به برخورد‌های سلبی است تا از ایجاد شکاف در جامعه جلوگیری شود؛ از این رو پیامبر ﷺ از یک‌سوی با گروه‌های مختلف پیمان‌های وحدت‌آفرین می‌بستند و از سوی دیگر با عوامل ویران‌کننده وحدت به‌شدت مقابله می‌کردند. در ادامه به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود.

الف) نهی از نژادپرستی

نژادپرستی یکی از عوامل اختلاف‌انگیز در جوامع مختلف است. عامل اصلی در جنگ جهانی اول که سبب فروپاشی امپراتوری بزرگ عثمانی شد، تکیه دشمنان بر نژادهای مختلف درون قلمرو آنها و دمیدن بر «پان‌ترکیسم» و «پان‌عربیسم» بود. در گذشته حجاز نیز تعصبات قومی و قبلیگی از اصلی‌ترین مسائلی بود که پیوندهای اجتماعی را در میان قبایل عرب رقم می‌زد؛ اما خداوند ملاک برتری را تقوا قرار می‌دهد و می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ».^۳ پیامبر ﷺ

۱. حجرات: ۱۰.

۲. ابن‌هشام، السیرة النبویة، ج ۱، ص ۵۰۱.

۳. حجرات: ۱۳.

برای اینکه مهر بطلان بر تفکر نژادپرستی و قومیت‌گرایی بزند، به سلمان فارسی، بلال حبشی و ... اعتبار خاص عطا کرد و به صورت عملی ثابت کرد عرب بر عجم و بلکه هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد مگر به تقوا.

ب) برخورد قاطع با برهم‌زندگان نظم اجتماعی

گروهی در داخل مدینه به دنبال ایجاد شکاف بودند؛ آنها برای رسیدن به مقصود خود حتی به اماکن مقدس پناه بردند. داستان مسجد ضرار که از سوی منافقان ساخته شد، در تاریخ اسلام معروف است. این مسجد به نام دین اما برای مخالفت با دین و ضربه‌زدن به انسجام مسلمانان تأسیس شد. آنان قصد داشتند در زیر نام مسجد به اهداف شوم خود دست یابند؛ اما از سوی خدا این آیه نازل شد: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ...»؛ کسانی که مسجدی ساختند برای زیان‌رساندن به مسلمانان و تقویت کفر و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاه برای کسی که از پیش با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود (...). بنابراین پیامبر ﷺ به تخریب آن اقدام کرد و مانع ایجاد افتراق از سوی منافقان شدند.

۴. احکام وحدت‌آفرین

برخی از احکام و آموزه‌ها افزون بر بُعد عبادی، جنبه ایجاد همبستگی اجتماعی نیز دارد. نماز که نوعی عبادت خداست، با آنکه در برخی از افراد شاید فرادخواندن و خلوت‌کردن با خدا حضور قلب بیشتری ایجاد کند، اما کمالش به جماعت‌خواندن است؛ همچنین نماز جمعه نوعی ایجاد همبستگی بین مؤمنان است. اما در رأس عبادات اجتماعی، می‌توان مراسم حج را نام برد که هر مسلمان با هر عقیده و مذهبی در آن حضور می‌یابد و به نماز و طواف حول کعبه می‌پردازد و نوعی همبستگی اجتماعی مثال‌زدنی از مسلمانان را به دنیا مخابره می‌کند. امروزه مراسم اربعین نیز همبستگی دورن مذهبی شده است و با ایثار شگفت‌انگیز، نگاه جهانیان را به خود معطوف داشته است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویة، بیروت: دار المعرفة، [بی تا].
۳. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول صلی الله علیه و آله: مصححة و منقحة و مزیدة، ج ۳، تهران: دار الحدیث، ۱۴۱۹ ق.
۴. بختیاری، شهلا و زهرا نظرزاده، «پیمان نامه مدینه: نمونه ای تاریخی در زمینه حل اختلاف»، مجله تاریخ اسلام، س ۱۳، ش ۴۹، بهار ۱۳۹۱ ش.
۵. حلبی شافعی، ابوالفرج، السیرة الحلبیة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۷ ق.
۶. سبحانی، جعفر، نظام اخلاقی اسلام، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۵ ش.
۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، بیروت: دار الفکر، [بی تا].
۸. شیخ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محقق: رضا ستوده، ترجمه: گروهی، چ ۱، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ش.
۱۰. _____، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، [بی تا].
۱۱. عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم صلی الله علیه و آله، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۶ ق.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، ج ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۱ ق.
۱۳. _____، تفسیر نمونه، چ ۱، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. مهران، محمد بیومی، تاریخ العرب القديم، اسکندریه: دار المعرفة الجامعیة، ۱۹۸۹ م.
۱۵. مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی، تهران: نشر طلوع، [بی تا].